

سرزمینی که امروز بنام خوزستان نامیده میشود از قدیم‌ترین سرزمینهای ایران است که شش هزار سال تاریخ پشت سر دارد.

اراضی خوزستان از لحاظ زمین‌شناسی متعلق به پهنای زمین‌شناسی است. در بعضی از چین-خوردگیها و کوههای آن هنوز آثار آتشفشانیهای قدیم وجود دارد که اکنون دور و بخار کرده‌اند آنها متصاعد است.

وسعت خوزستان در حدود ۳۹ هزار میل مربع است، و در آن کوهستانهای پر برف، جنگلها و بیشه‌های انبوه، گشت‌های سرسبز، دریاها، رودخانه‌ها، ریزگردهای خشک و سوزان، و رودخانه‌های پر آب وجود دارد. کوهستانی که نزدیک هفتاد سال از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴ و اوایل جنگ جهانی اول، توسط هیئت‌های مکتشفین و باستان‌شناسان فرانسوی در ویرانه‌های شهر تاریخی شوش بعمل آمد، نشان میدهد که چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح، یعنی در حدود شش هزار سال پیش در عصر حجر، مردمانی در این شهر میزیسته و باقاشی و کوزه‌گری و سنگتراشی و ساختن مجسمه‌های گلی حتی اشیاء مس آشنائی داشته‌اند.

بعلاوه نزدیک سه هزار سال قبل از میلاد، بزرگترین اختراع بشر که انقلاب عظیمی در زندگی انسان بوجود آورد و تمدن‌های بعدی را برپا کرد و موجب بوجود آمدن فرهنگ و مدنیت بشری گردید، در این شهر جامعه عمل پوشیده است.

همچنین الواح معروف جامورای که قوانین معروف او بر روی آنها حک شده بود، و متعلق به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است در ویرانه‌های شوش بدست آمد.

سرزمین ایلام که شوش پایتخت آن بود، قرن‌ها پیش از آنکه باوج قدرت برسد روزگاران دراز تحت تسلط سومریان بود، و بعدها که ایلام نیرومند شد توانست خود را از زیر بار تسلط سومریان نجات دهد و یک حکومت نیرومند بوجود آورد و با کلدو آشور دست و پنجه نرم کند و حتی حکومت کلدو را پس از جنگ‌های متعددی شکست داده و مراکز آن بابل را که از بزرگترین مراکز تمدن دنیای قدیم بود تصرف نماید.

ورق بزنید



خوزستان در دوران هخامنشی و پیش از آن بدو قسمت تقسیم می‌شد. بخش شمال شرقی که (انسان) یا (انزان) نام داشت و دارای سرزمینهای باغی و کوهستانی و جنگلهای فراوان بود و قسمت جنوبی آن که همگرم و مرطوبی داشت ایلام نامیده میشد. در الواحی که در حفاریات اخیر در دورانیتهای شهر بابل بدست آمده، یکی از پادشاهان بابل که معمار کوروش بوده، هنگامیکه از فتوحات او بیاد میکند کوروش را پادشاه (انسان) مینامد. زیرا کوروش پیش از آنکه حکومت عمار را منقرض کند پادشاه پارس و انشان بود و بعد دامنه حکومت خود را به سمت دادومار ولیدیا، بابل و سرزمینهای وسیع دیگر رانیز تسلسل در آورده.

در روزگاریکه ایلام بدست پادشاهان هخامنشی افتاده علاوه بر مادها پارسها که از شمال و خاور با آنها رامیافتند، طوایف و اقوام دیگری نیز هزاران سال پیش در آنجا سکونت داشتند، که سکنه اصلی آن سرزمین را تشکیل میدادند. از جمله (ماروها) که در ارتفاعات کوههای بختیا میزیستند، و (اوکسها) که قبایل شجاعی در مشرق ایلام بودند و در حمله اسکندر و پیشروی او بسوی استخر، مردان جنگی (اوکسی) بسیاری سربازان مقدونی را کشتند و تلفات و خسارات فراوان بسپاه اسکندر وارد آوردند. همچنین طایفه (کوسها) یا (خوزایها) که سرزمین خوزستان بنام آنها معروفست و این طایفه بقول هرودوت مورخ مشهور یونانی در نواحی کوهستانی مشرق لرستان زندگی میکردند. علاوه بر این طوایف، قوم دیگری نیز در خوزستان میزیست و آن (پراناکینها) بودند که اغلب در دشتهای حاصلخیز این ناحیه زندگی میکردند و بیشتر کار کشاورزی بود.

(استرابون) جغرافیدان عهد باستان، خوزستان را یکی از حاصلخیزترین نقاط جهان میدانست. زیرا رودخانه های فراوانی که این سرزمین را آبیاری میکنند، امکان همه گونه کشاورزی و آبادانی را در این منطقه



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

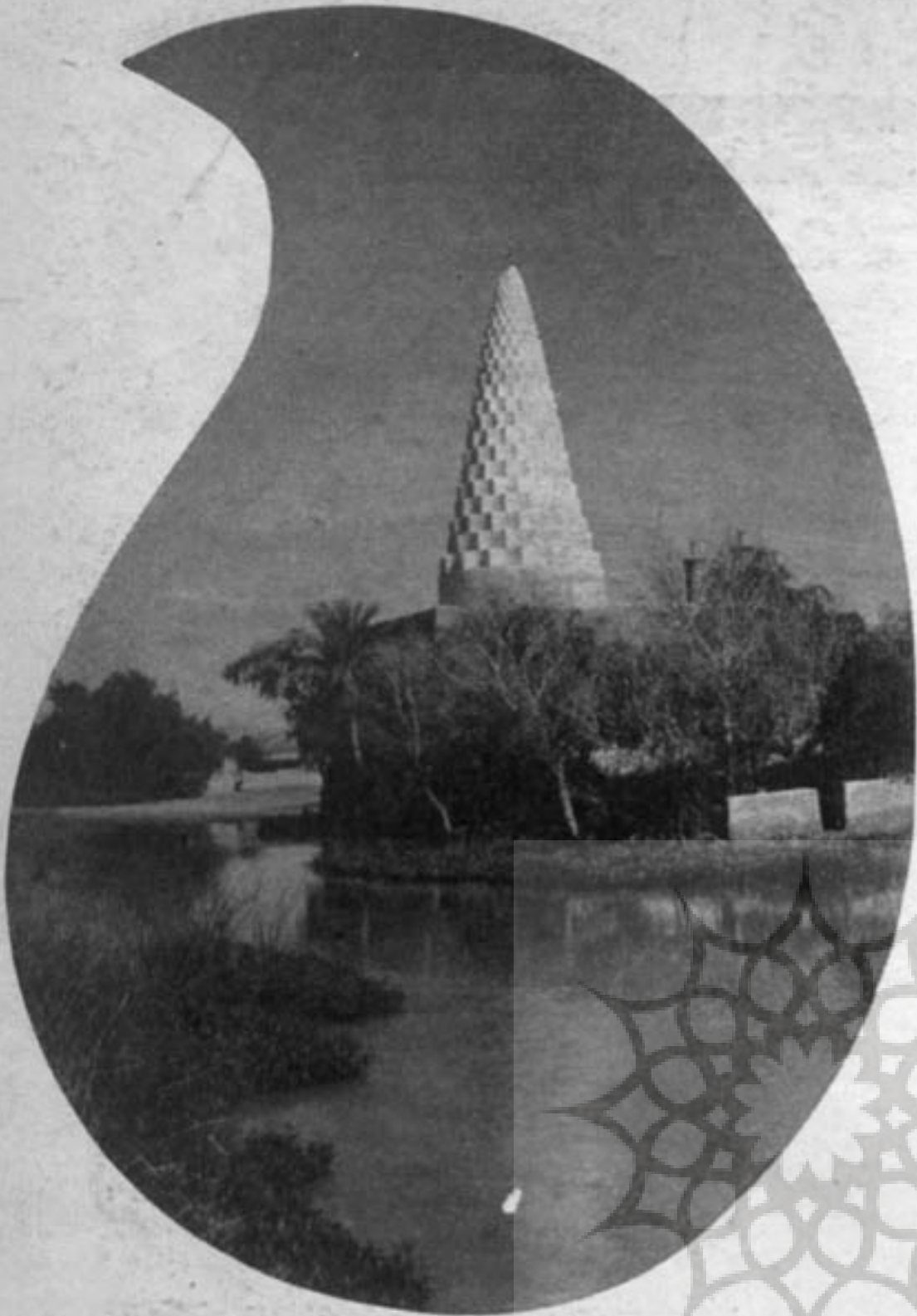
بازگشت از صحرا

اما چندی بعد، هنگامیکه امپراطوری آشور باوج قدرت خود رسیده آشور بانیحال در سال ۶۴۰ قبل از میلاد به ایلام حمله نمود و در سپاه ایسلام را شکست داد و مدت ۳۱ روز سرزمین ایلام را غارت کرد و شهرهای آباد آنرا آتش زد و از جمله شهرشوش را در آتش سوزاند و کتیبه های گرانهای آنرا غارت برد و بدین ترتیب حکومت ایلام منقرض کرد.

ولی قدرت و عظمت آشور نیز دیری نپایید، و چندی بعد هر و خشتی پادشاه بزرگ ماد که اجداد او اولین حکومت آریائی را در فلات ایران بوجود آورده بودند، به آشور حمله کرد و شهرشوش را غارت کرد و آشور را فتح نمود و امپراطوری آشور را منقرض کرد و آن را بسدنیال ایلام فرستاد.

در این هنگام به طایفه بزرگ از نژاد آریائی، از شمال و خاور سرزمین ایلام بروی آوردند. مادها که امپراطوری آشور را منقرض کرده بودند از شمال، و پارسها طایفه دیگر آریائی از جانب خاور به ایسلام آمدند و این سرزمین از آن تاریخ که مقارن سده ششم قبل از میلاد است تا کنون که فریب ۲۶۰۰ سال از آن زمان میگذرد، یکی از مراکز بزرگ نژاد آریائی و مهد تمدن و فرهنگ ایرانی بوده است.





فراهم میآورد ، بطوریکه در دوران هخامنشیان، خوزستان که از خاور به یارس ، از باختر به دجله ، از شمال به ماد ، و از جنوب به دریا منتهی میشد از سر سرکت ترین نقاط دنیای آن زمان محسوب میشد و زرخیزترین جلگه های ایران در خوزستان بود ، و تپه ها و دشتهای سرسبز و فرخ انگیز آن ، فرق کلوسبزه و لاله های صحرائی بود ، و کوه های زرد و سرخ و آبی آن از جالبترین و زیباترین مظاهر طبیعت بشمار میرفت . در دوران سلطنت داریوش کبیر ، بخش جنوبی خوزستان در زیر آب پنهان بود ، و آب های خلیج فارس تا هواز کنونی پیش آمده بود . اما کم شدن آب رودخانه هاییکه بدریای فارس میریزد از یکسو ، و حرارت آفتاب سوزان از سوی دیگر قسمت وسیعی از خلیج فارس را خشک کرد و سال بسال آن را عقب راند و بجای آن خشکی های تازه ای بوجود آورد .

همچنین در عهد هخامنشی چهاررود خانه کارون ، کرخه ، دجله ، فرات که اکنون بصورت شط العرب درآمده و بدریایمیریزند ، در آن زمان بصورت چهاررود مجزا بخلیج فارس میریختند ، و مصب رود کارون در آن زمان (بهمین شیر) بوده و از آنجا بدریا میریخته است . و اما شهر تاریخی شوش که تاریخ بنای آن بیچاره هزار سال قبل از میلاد میرسد ، در روزگار آبدانی بر فراز چهار تپه بنا شده بود . این شهر مدت پنجاه سال یکی از مراکز بزرگ تمدن بشری بشمار میرفت و این نکته را آثار فراوانیکه باستان شناسان از اعماق ویرانه های این شهر بدست آورده اند و متعلق بعهد حجر و دوران ماقبل تاریخ ؛ و بعد زمان سومریها ؛ ایلامیها ؛ هخامنشیها ؛ اشکانیان ؛ ساسانیان ؛ و دوره بعد از اسلام است ، ثابت میکند و نشان میدهد که طی پنجاه هزار سال عمر این شهر چه تمدن هایی یکی پس از دیگری در این سرزمین بوجود آمده و پس از چند قرن جای خود را بتمدن های تازه تری داده اند .

خط ایلامی نیز در اعصار کهن یکی از خطوط برجسته دنیای قدیم بود و بهمین جهت یکی از خطوطی که شاهنشاهان هخامنشی کتیبه های

مقبره دانیال در شهر شوش از قدیم ترین آثار تاریخی پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات خوزستان است

خوردن به آن خط می نوشتند خط ایلامی بود . شهر باستانی شوش که اکنون ویرانه های آن در فاصله ۲۵۰ کیلومتری خلیج فارس قرار دارد ؛ طبق نوشته (استرابون) دوازده کیلومتر محیط آن بود و در کنار رود کرخه قرار داشت .

پس از آنکه آسور بان نیپال در سال ۶۴۰ پیش از میلاد شوش را آتش زد ، در سال ۵۰۶ قبل از میلاد داریوش کبیر این شهر را مجددا احیا و آباد کرد و کاخ معروف آپادانا را که محل فرمانروائی بر کشورهای وسیعی بود در آنجا ساخت . در این زمان شوش نه تنها پایتخت هخامنشی بود بلکه در دوران سلطنت داریوش کبیر پایتخت جهان بشمار میرفت . داریوش پس از آنکه ۳۲ سال زندگی کرده چشم از جهان فرو بست و هنگامیکه پسرش خشایارشا بسلطنت نشست مانند پدر آنجارا پایتخت زمستانی خویش قرار داد . در سال ۴۴۰ قبل از میلاد کاخ سلطنتی داریوش کبیر آتش گرفت . پس از آنکه اردشیر اول بسلطنت رسید در اندک مدتی بر روی خرابه های این کاخ بنای جدیدی ایجاد کرد و پس از او در زمان اردشیر دوم و خشایارشا دوم ، کاخهای سلطنتی شوش بوسیله این پادشاهان تعمیر شد و بناهای جدیدی در آنجا ایجاد گردید و این موضوع در کتیبه هایی که از ویرانه های شوش بدست آمده بخوبی منعکس است .

ورق بزنود



سرزمینی که چرخهای صنعتی جهان را بگردش در میآورد

های خوزستان و از آنجا بجانب غرب حمل میشود. یادگارهایی که از دوران شاهنشاهان ساسانی تا کنون بجای مانده از وجود بسیاری از شهرها، دژها، بیمارستانها، سدها، و آثار دیگر در آن زمان حکایت میکنند.

از جمله این شهرها شهر (هرمشیر) یا (هرمز اردشیر) است که اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی آنرا بنا نهاد. ولی قبل از اردشیر، در این محل شهری از دوران حکومت ایلام بجای مانده بود که در زمان اشکانیان رو بویرانی نهاد، و بعد اردوان چهارم پادشاه اشکانسی بناهای جدیدی در این شهر ساخت. اما اندکی بعد این شهر و بناهای آن که غالباً کلی و خشتی بود خراب شد، و بر روی خرابه‌های همین شهر بود که اردشیر بابکان، شهر (هرمز اردشیر) را بنا کرد.

قرن‌ها بعد، در عهد خلفای عباسی بار دیگر این شهر خراب شد و مجدداً در دوران امارت عبدالدوله دیلمی احیا گردید. منتها در زمان عبدالدوله بر روی ویرانه‌های هرمز اردشیر، شهر جدیدی بنام (سوق-الاهواز) ایجاد شد و این شهر در آن ایام بیش از پنجاه هزار خانه داشت.

شاپور اول، دومین پادشاه ساسانی نیز پس از مغلوب ساختن والرین امپراطور روم، شهر (گندی شاپور) را با کمک اسرای رومی ساخت و گروه کثیری از اسرا را نیز در آنجا جای داد.

این شهر تا اواسط دوران خلافت عباسیان آباد بود. همچنین در سال ۲۶۰ میلادی شاپور اول رود مسرقان را که بشوش می‌آمد و در آن زمان از گلو لای برشته بود با کمک همان اسرای رومی حفر کرد و نوسازد شوش در زمان همین پادشاه ساخته شد.



یک مرت خوزستانی

در دل این زمینها بزرگترین ثروت‌های جهان نهفته است

بدین ترتیب شوش که پایتخت پادشاهان بسیاری بوده، بشهر شاهان معروف گردیده و آثار فراوانی که از آنجا بدست آمده زینت بخش موزه‌های بزرگ جهان مخصوصاً موزه لوور است.

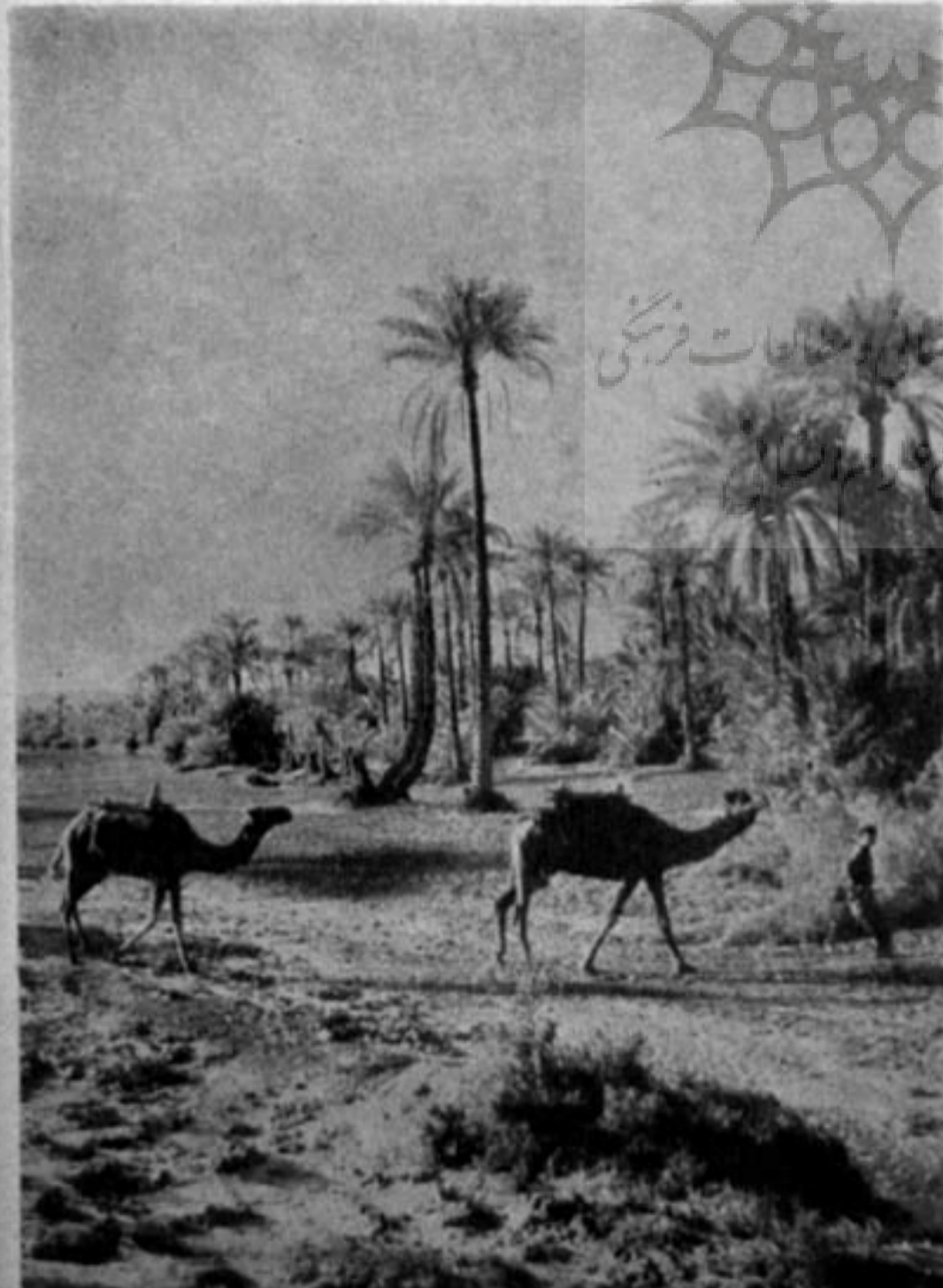
بعد از حمله اسکندر بایران، و تاراج شهر شوش این شهر دچار صدمات و اطعمات فراوان گردید. زیرا علاوه بر غارت همه گنجینه‌ها و ثروت‌های بویکرانی که توسط شاهنشاهان هخامنشی در این شهر انباشته شده بود، بسیاری از بناهای آن ویران گردید.

بقول (پیله) خاورشناس فرانسوی «دست‌زمان و دست‌آندسته از چپاولگران و دشمنان تمدن نگذاشته است که حتی يك دیوار در این شهر برپا ماند. همه جارامه‌نند ساخته و آنچه را که مقدور بوده است برده‌اند. سنگ‌ها، حجاریهای برجسته، مجسمه‌ها، درها، درگاهها و تزئینات اطراف آنها که از مرمر بوده‌است، حتی میخ‌ها را بفارغرت برده و تا آخرین قطعه جو بهای این ساختمان‌ها را سوزانده‌اند...»

در دوران اشکانیان، شهر شوش دچار ویرانیهای بیشتری گردید و حتی قسمت‌هایی از بخش خارجی شوش بصورت گورستان اشکانیان درآمد. در کشفیاتی که چندی پیش در حوالی بهبهان بعمل آمده آثاری از دوران اشکانیان در این سامان بدست آمده‌است. همچنین در نزدیکی دزفول آثاری از ویرانه‌های شهر اردوان کشف شده‌است.

ولی در زمان ساسانیان شوش بار دیگر آباد شد و تا قرن چهارم هجری این شهر اهمیت خود را حفظ کرد تا آنکه اندک‌اندک رو بویرانی نهاد و مدتی بعد بکلی فراموش شد.

بهر حال پادشاهان ساسانی شهرهای متعددی در خوزستان ایجاد کردند، و دشتهای وسیع و جلگه‌های مستعد این سرزمین را آبیاری نمودند و خوزستان را بصورت یکی از زرخیزترین نقاط جهان درآوردند. بعلاوه خوزستان بصورت یکی از شاهراههای بازرگانی درآمد و کالاهای فراوان از کشورهای سواحل مدیترانه بشهرهای این سامان، و از اینجا از طریق خلیج فارس به هندوستان و چین و بالعکس از چین و هند بشهر



اتومبیل سرمایه‌داران زرد



اخیراً کشور چین کمونست یک‌ممنوع صد درصد کاپیتالیستی وارد بازار کرده است. این ممنوع جدید اتومبیلی است که از لحاظ درونی و بیرونی (اطاق، شاسی و موتور) شباهت بسیار زیادی با اتومبیل‌های آمریکائی دارد البته این شباهت داخلی و خارجی کاملاً اتفاقی است.

یک زن بومی ...

از یاد کارهای مهمو کراتیهای دوران شاپور اول، دانشگاه معروف کندی شاپور است که شاهنشاه ساسانی آنرا بنیاد و این نخستین دانش-گاهی است که در تاریخ کیتی بوجود آمده است.

در این دانشگاه استادان و دانشمندان ایرانی علوم فلسفه و ریاضیات و طب و هیئت را میزبانهای گوناگون تدریس میکردند و دانش پژوهان آن عصر از نقاط مختلف کیتی برای کسب علم و دانش به آنجا روی می‌آوردند. این دانشگاه مدت چند قرن دائر بود و دانشمندان بزرگی را در دامن خود پرورش داد. حتی در صدر اسلام نیز جمعی از فیلسوفان و ریاضی دانان و ستاره شناسان و پزشکان عالیقدر در این دارالعلم تحصیل اشتغال داشتند. علاوه بر کندی شاپور، جمعی دیگر از دانش پژوهان در دارالعلم (ریشهر) در نزدیکی ارجان در رشته طب و هیئت بدانش اندوژی سرگرم بودند.

در زمان سلطنت شاپور ذوالاکتاف، اعراب آنسوی خلیج فارس سر به نافرمانی برداشتند ولی شاپور آتش فتنه و آشوب ایشان را با سرعت خاموش کرد و گروهی از اعراب آشوبگر را بخوزستان کوچانید و آن‌ها را در شوشتر مسکن داد.

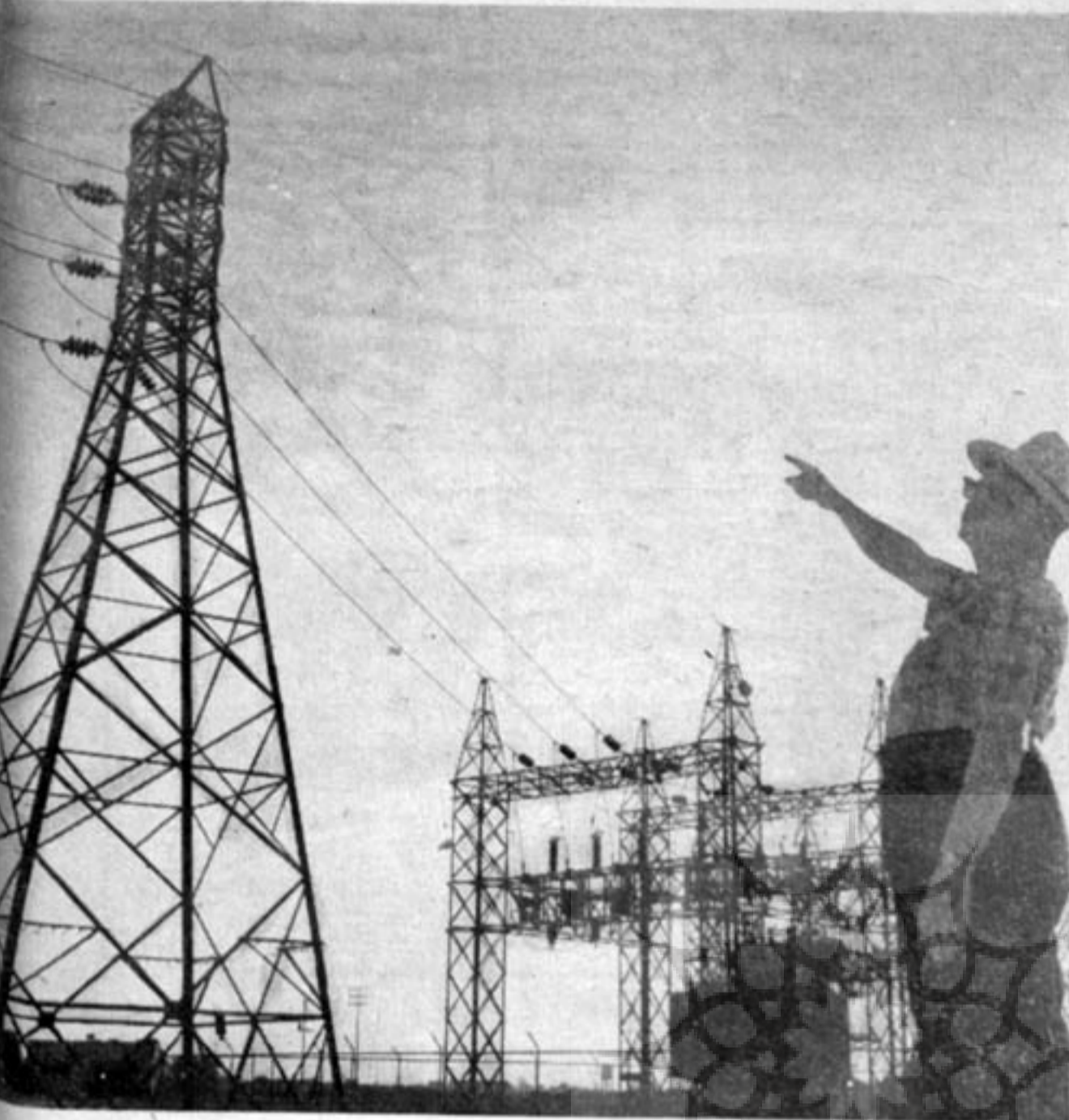
چندی بعد در دوران پادشاهی قباد، پس از زدو خوردهایی که بین سپاهیان او و رومیان در گرفت و رومیان شکست یافتند، قباد نیز مانند شاپور اول با کمک اسپران رومی شهر (دژ قباد) را ساخت.

همچنین (قبادخوره) شهر دیگری از یاد کارهای قباد پدر خسرو انوشیروان است و در قرن هشتم هجری این شهر بر اثر ترکتازی ملاحظه ویران گردید. و نیز شهر (دورق) یا (شادگان) از شهرهاییست که در هزار سال پیش شهر آباد و بزرگی بوده و بنای این شهر نیز منسوب بقباد پادشاه ساسانی است.

دیگر از شهرهای خوزستان که در زمان ساسانیان ساخته شد (بهشت هرمز) و (زامهرمز) از یاد کارهای هرمز پادشاه ساسانیست. هم چنین است (بهمنشیر) یا (بهمن اردشیر) که اردشیر بابکان کمی بالاتر از خرمشهر کمونی آنرا ساخت و بعدها ویران گردید و اکنون این نام تنها بشعبه‌ای از رود کارون اطلاق میشود.

دیگر شهر (تل خسرو) میباشد که منسوب بخسرو پرویز است. (کرخه)





تاسیسات نفتی خوزستان قسمتی از چرخهای صنعت جهان را بگردش درمیآورد

می گوید اولین حصاری که در جهان ساخته شد حصارى بود که بر کرد
شهر شوش و شوشتر بوجود آمد .

شوشتر را برخی از مورخین و محققین مخفف (شش در) دانسته اند.
زیرا معتقدند که این شهر شش دروازه داشته و به همین جهت به (شش در) یا
(شوش تر) معروف گردیده است . دخمه ها و آثار فراوانی که در اطراف
شوشتر کشف شده همگی متعلق بدوران ساسانی است. این شهر از مراکز
آباد بازار کانی و از نقاط پر برکت و مرکز کار و تجارت بود ولی در
اوائل قرن ۱۲ هجری و در اواخر حکومت صفویه رو بویرانی نهاد و
مخصوصاً شکستن سد شاهپور در سال ۱۳۰۳ هجری بیشتر مسوجب
خرابی آن گردید .

پارچه های زربفت و حریر و دیبای شوشتر از روزگاران قدیم
همواره معروف بوده ، بطوریکه حتی پوشش کعبه را نیز در شوشتر
درست کرده و از آنجا بخانه خدا میبردند .

بدین ترتیب ملاحظه شد که خوزستان در دوران سلطنت
پادشاهان ساسانی بزرگترین مرکز سیاسی و اقتصادی و بازار کانی و
کشاورزی و فرهنگی ایران بوده و حتی بسیاری از شهرهای این استان ،
یادگار دوران پر افتخار شاهنشاهان ساسانی است .

لیکن در سال ۱۹ هجری که حمله عرب بر ایران آغاز شد شهر
تاریخی شوش بدست اعراب افتاد و قسمتهای زیادی از آثار تاریخی
خوزستان از بین رفت . مخصوصاً در جنگهای متعددی که بین سپاهیان ایران
و اعراب رویداد ویرانها و تباهیها و خسارات زیادی بشهرهای خوزستان
که در سر راه مهاجمین عرب بود وارد آمد . همچنین مقاومت های دلیرانه
مردم این سامان که تا پای جان در برابر بیگانگان جنگیدند و پیکارهای
مردانه هر زمان فرمانروای خوزستان و سربازان او که چندین
بار با تازیان جنگ و ستیز کرد و در شهر های خوزستان مردانه پایداری
نمود ، موجب ویرانیهای بیشتری در خوزستان گردید .

نیز شهر کوچکی در ساحل رود کرخه بود و اکنون از آن اثری نیست ،
ولی رودی که از کنار این شهر میگذشت هنوز به آن نام معروفست .

و نیز (هندیجان) یا (هندیگان) که مسکن گروهی از مهاجرین
هندی بوده است در زمان ساسانیان ساخته شد .

هندیان ساکن این شهر از بقایای همان دوازده هزار نفر هندی
بودند که بهرام گور آنها را بعنوان رامشگر از هند بایران آورد و برای
سرور و شادی مردم آنان را در شهرهای ایران بخش کرد گروهی از آنان
در این محل که جلگه سرسبز و باصفائی بود دشت هرمزگان نام داشت
اقامت کردند و شهر کوچکی ساختند که بنام آنها به هندیگان یا
هندیجان معروف شد .

و در همین دشت هرمزگان بود که بین سپاهیان اردشیر بابکان و
اردوان پنجم جنگی خونین در گرفت و شکست اردوان پنجم منتهی
گردید ، و در نتیجه شالوده حکومت و فرمانروائی سلسله ساسانی
ریخته شد .

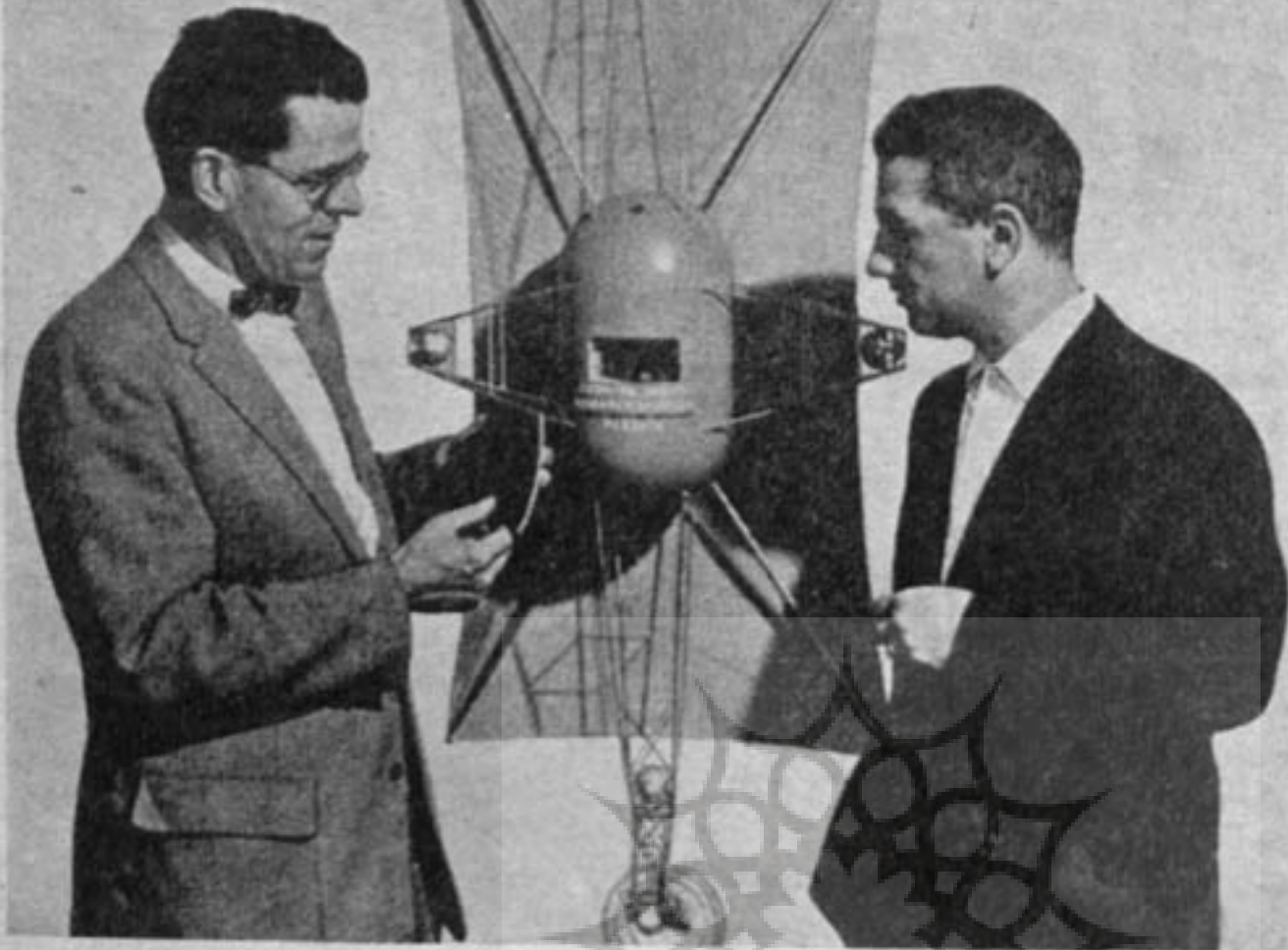
شهر دزفول که معرب (دزپل) است یکی دیگر از شهرهاست
که اردشیر بابکان آنرا بین شوش و گندی شاهپور ساخت . اردشیر
نخست در این محل پلی بر روی رودی که از این سامان میگذشت بوجود
آورد ، آنکامه در کنار این پل دژی ساخت و محافظینی بر آن گماشت تا از
پل نگهداری کنند . بعد در نزدیکی این دژ ، شهر کوچکی ایجاد کرد
که به (دزپل) معروف گردید . قرن ها بعد که شهرهای شوش و گندی شاهپور
اهمیت خود را از دست دادند و مورد هجوم اشرار و تجاوز کاران قرار گرفت ،
مردم آن شهرها به دزپل روی آوردند و کم کم دزپل یا دزفول بصورت
یک شهر مهم درآمد .

و اما شوشتر یکی دیگر از شهرهای قدیمی خوزستان است که تاریخ
بنای آن بطور دقیق معلوم نیست ولی عبدالله بن مقفع دانشمند مشهور
ایرانی تاریخ ساختمان آنرا مربوط به بعد از طوفان نوح میدانند . وی



سفر فرمین

♦ کارخانجات بونیک آمریکا در کار آماده کردن این دستگاه عجیب هستند. در این راکت که با موتور یون مجهز شده تعداد زیادی دستکاهای علمی برای اکتشافات نصب شده است و نیروی برق آنها توسط سلولهای سیلیسیم از نور آفتاب گرفته میشود. در آتیه نزدیکی این راکت که مسیر آن مسافت حرکت ماه است به فضا پرواز کرده و اطلاعات جالبی برای مردم زمین به ارمغان خواهد آورد. این راکت توسط خلبان هدایت خواهد شد.



هرمز پادشاه ساسانی بود، و بر اثر عدم توجه رومی‌ها به آبادی و عنایت این پادشاه آباد کننده بار دیگر اهمیت گذشته را بازیافت، چه بناهای متعدد در آنجا برپا کرد و بازار زیبایی برای شهر ساخت که مرکز کارو تجارت شد.

همچنین عبدالدوله رود کارون را بوسیله ترعه‌ای که بطول چهار فرسنگ حفر کرده، پرورد دجله وصل نمود، و اینکار بعد از ترعه سوئز و سیبست داریوش کبیر دومین اقدام جالب و مهمی بود که یک پادشاه آبادی در دست آورد. هزار سال پیش، در این سامان انجام داد.

در قرن هشتم هجری خوزستان که هنوز از لطافت و صدمات تازی ها کمتر آراست نکرده بود، مورد هجوم قوای قهار تیمورلنگ واقع گردید و شهرها و آبادی‌های متعدد از جمله شهر خرم آباد در سال ۷۸۸ هجری به دست پاهیان او ویران شد. اما چندی بعد در عهد سلطنت پادشاهان صفویه در بسیاری از شهرهای این استان آبادیها و عمرانهای صورت گرفت.

از جمله شاهسفی مدارس و مساجد متعددی ساخت که یادگارهایی از آن هم اکنون در شهر شوشتر و برخی از شهرهای دیگر موجود است و سایر پادشاهان صفوی نیز آثاری از خود بجای گذاشتند.

نکته جالب توجه در اینجا آنستکه، قبل از روی کار آمدن صفویه گروهی از عشایر عرب بزبان مائده طوایف مطرده، بنی خالد و دسته های دیگر بخوزستان کوچ کردند. هنگام حکومت پادشاهان صفوی نیز که سراسر عراق عرب و بین النهرین جزو ایران بود، گروهی دیگر از طوایف عرب از جمله طوایف بنی کعب، بنی رشید، آل حمید باین سامان آمدند و در آنجا متوطن شدند و با نهایت آزادی هم چنانکه در زاد و بوم خود بودند بزبان عربی تکلم نمودند و در همان کسوت و لباس در مجامع ظاهر گردیدند و هنوز هم اصحاب و فرزندان آنها بهمان صورت در ورق برزید

با اینحال مورخان اسلامی نظیر استخری و ابن حوقل که خوزستان را در سده های اول هجری دیده یا وصف آنرا شنیده و درباره اوضاع آن ناحیه مطالبی نوشته اند یاد آور شده اند که خوزستان دارای هفده شهرستان بوده و هر شهرستان نیز از شهرهای متعددی تشکیل شده است.

مقدسی مورخ مشهور دیگر نوشته که خوزستان دارای هفتاد شهر آباد بوده است. این شهرها اکثر از لحاظ بازرگانی دارای اهمیت بسیار بوده و بازرگانانی که بین شرق و غرب تجارت میکردند از آنجا میگذشتند که از این شاهراه تجارتی، کالاهای خود را به شرق دور یا بسواحل مدیترانه میفرستند.

شهرهای مهم خوزستان که در صدر اسلام از مهمترین شهرهای ایران محسوب میشده و اکنون بسیاری از آنها ویران و تنها برخی بجای مانده عبارتند از شوش، شوشتر، گندی شاپور، سوق الاهواز، دورق، عسکر منگرم، رامهرمز، مناظر، هرمز اردشیر، مه و بان، ایزه، رستاق، دزفیل، بهمینشیر، کرخه، بهشت هرمز، قبادخوره، تل خسرو، ارجان، شاپور.

در دوران قیام یعقوب لیث صفاری، خوزستان یکی از مراکز مهمی بود که در دل خلفای بغداد عرب و وحشت ایجاد کرده بود. زیرا یعقوب لیث برای حمله بغداد و واکاوی کردن ساختن حکومت خلفای عباسی شهر گندی - شاپور را در سال ۲۶۳ هجری بعنوان پایتخت خود انتخاب کرد و بجمع آوری قوا پرداخت. و سرانجام در همین شهر بود که این سردار بزرگ و آزاد مرد ایرانی پیش از آنکه آرزوهای خود را جامه عمل بپوشاند بر اثر بیماری در سال ۲۶۵ در گذشت و جنازه اش را در نزدیکی همین شهر بخاک سپردند.

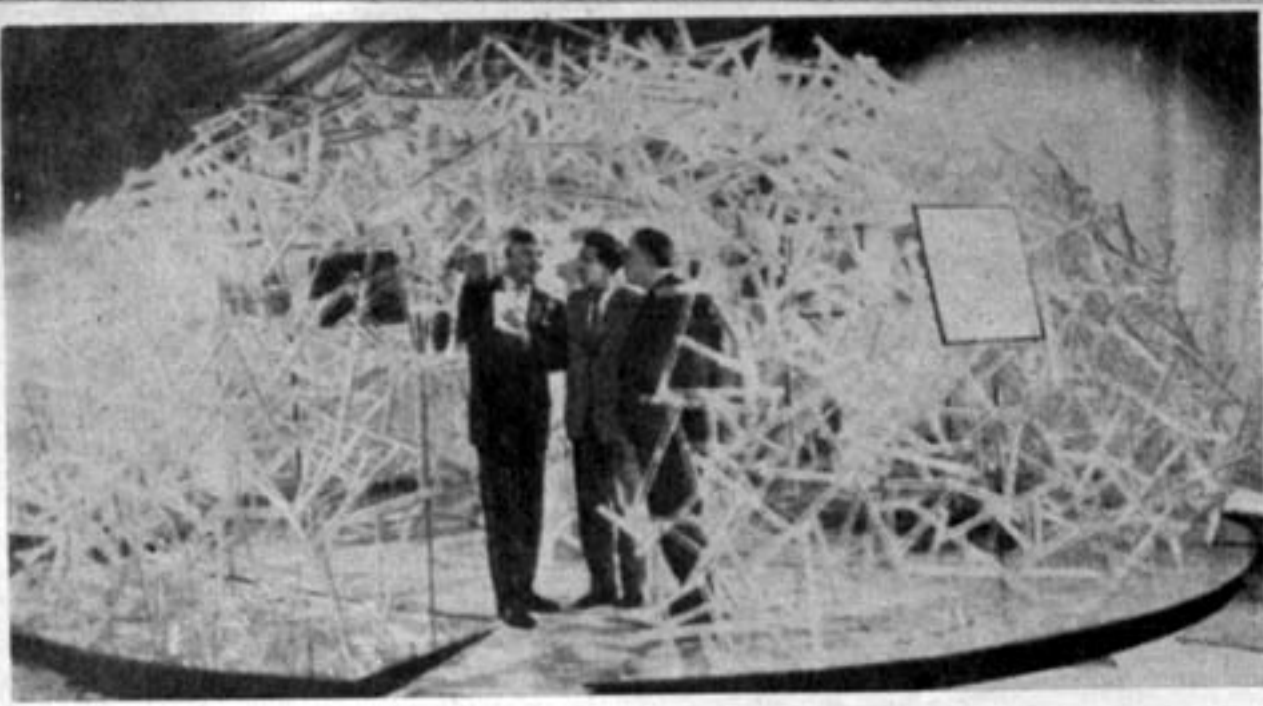
شهر گندی شاپور نیز یک قرن و نیم بعد، یعنی در قرن چهارم هجری در حالیکه ۸۰۰ سال از بنای آن میگذشت ویران و متروک شد.

در دوران سلطنت عبدالدوله دلمی، در برخی از شهرها و نقاط خوزستان آبادانیهای صورت گرفت. از جمله شهر رامهرمز که یادگار



يك ميليون بار

◆ اين لوله‌های پلاستیکی مدل بزرگی از يك سلول بدن انسانی است که يك ميليون بار آكراندیسمان شده و دريکی از مراکز مبارزه با بیماری سرطان در لندن نصب گردیده است. بدین ترتیب دایره کشفیات طبی در باره مرض سرطان سعی دارد که مبارزه علیه سرطان را بمرحله نهائی برساند و این نمونه در تلویزیون انگلستان برای آگاه ساختن مردم در مورد بیماری سرطان بمرض تماشاگذاران داده شده است.



صنعتی و اقتصادی و بازرگانی ایران در آورد.

خوزستان - سرزمین طلای سیاه، در دوران سلطنت پرافتخار اعلیحضرت فقید و اعلیحضرت محمد رضا شاه، بصورت مهمترین مرکز اقتصادی و صنعتی خاورمیانه درآمد حتی اهمیت آن بخاطر منابع بیکران نفت به آن پایه رسید که سرنوشته بسیاری از کشورهای بزرگ جهان و صنایع عظیم غرب طی ۵۰ سال اخیر بانفت این سامان بستگی داشته و دارد.

در جنگ جهانی اول و جنگ عالمسوز دوم، نفت خوزستان همچون خونی بود که در عروق کشورهای متفق بگردش در می آمد و بدون شك اگر این خون قطع میگردید، مركز این کشورها امری اجتناب ناپذیر بود. هم اکنون نیز قسمت اعظم برنامه‌های عمرانی و تولیدی و طرح های آبادانی و بودجه کشور از محل درآمد نفت خوزستان تامین میشود. منابع بیکران نفت، و معادن زغال سنگ، آهن، مس، نمک، گچ خوزستان رایجی از غنی ترین نقاط کیتی ساخته است.

رودهای پر آب و زمینهای حاصلخیز این سامان، قادر است ایران را بصورت انبار غله خاورمیانه در آورد. شهرهای آبادی که هم اکنون در خوزستان ایجاد شده، و بنادری مانند آبادان که مرکز بزرگ ترین پالایشگاه نفت در آسیاست، و خرمشهر و بندر شاهپور مایه افتخار کشورها است.

فعالیت و تلاشی که در شئون مختلف اجتماعی و اقتصادی و صنعتی و بازرگانی و فرهنگی و کشاورزی خوزستان در جریان است، آدمی را بیادروزیهای درخشان و پرافتخاری میاندازد که این استان مرکز فرمانروائی شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی بود، و شهر پر عظمت شوش بعنوان (شهر شاهان) و (پایتخت جهان) خوانده میشد.

اکنون خوزستان با تحول عظیمی که در شئون مختلف آن جریان دارد، بار دیگر ارزش و اهمیت دیرین خود را بدست میآورد. بار دیگر در جلگه‌های سرسبز و دشتهای زیبا و تپه‌هایی که روزگاری غرق گل‌ولاله بود، گل‌ها و لاله‌ها و سبزه‌های فرح انگیزی میدمد و چشمها را روشنی میبخشد و دل‌ها را آکنده از شور و نشاط میسازد.

بجای دیبا و پرنیان شوشتر که زمانی شهره آفاق بود، اکنون طلای سیاه این سامان از شرق تا غرب عالم شهرت دارد، و شهرهای بزرگ جهان را روشن میسازد و چرخهای صنعتی کشورها را بگردش در می آورد.

بجای ستون‌های برافراشته کاخ شاهنشاهان هخامنشی در شوش، لوله‌ها و دودکشهای سربلک کشیده آبادان، راز ترقی و پیشرفت ایران نوین را برسینه آسمانها نقش میکند.

بجای کوروش کبیر که ۲۵ قرن پیش از این سرزمین بر خاست و تمدن ایرانی را بخاور و باختر دنیای قدیم گسترش داد، اکنون فرزند کامکار آن شهریار هخامنشی، وارث کهنسال ترین سلطنت‌های جهان بر این سرزمین قدم میگذارد، و ناقوس‌های زمان را بسدا در می آورد و عظمت‌های روزگار پرافتخار گذشته را تجدید میکند، و یاد کوروش بزرگ، نیای والا کبر خویش را در دل‌ها زنده نگه میدارد.

خوزستان زندگی میکنند و مانند همه ایرانیان از همه گونه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و سیاسی برخوردارند و مانند سایر هموطنان خویش بقالیتهای کشاورزی و بازرگانی میپردازند.

در دوران سلطنت محمد شاه قاجار، در سال ۱۲۵۳ که وی شهر هرات را محاصره کرده و در آنجا سرگرم بود، عثمانیها از گرفتاری او استفاده نموده و در صدد تجاوز بخوزستان برآمدند.

در آن زمان بندر محمره (خرمشهر) که تازه بصورت یک شهر کوچک ساحلی در محل التقای کارون بشط العرب بوجود آمده، و در برابر بصره قدامت کرده بود، موقعیت اقتصادی بصره را تا اندازه متزلزل ساخته بود.

این موضوع بیش از پیش دولت عثمانی را وادار کرد که بصره محمره دست درازی کند و این خطر را از سر راه بردارد. از این رو علیرضا پاشا حاکم بغداد گرفتاری محمد شاه در هرات را مفتخر شمرد و بالشکریان عثمانی بمحمره حمله کرد و آن شهر ساحلی را ویران ساخت و خانه‌ها را غارت نمود و گروه کثیری را باسیری برد.

اما مردم میهن پرست خوزستان خیلی زود آثار این خرابیها را از میان برداشتند و با همت و کوششی شایان تقدیر به آبادی آنجا همت گماشتند.

در خلال این احوال کشف منابع عظیم نفت، و حفر چاههای متعدد بتوسعه آبادانی و هرات این ناحیه کمک کرد، بطوریکه علاوه بر محمره، شهر آبادان نیز بصورت يك شهر صنعتی در جنوبی ترین نقطه خوزستان بوجود آمد.

محملی که شهر کنونی آبادان در آنجا ایجاد شده، تا هزار سال پیش اساسا در صفحه روزگار وجود نداشت. زیرا در آن تاریخ کلیم این سرزمین و اراضی پهناور و بالاتر از آن در زیر آبهای خلیج فارس مدفون بود تا اینکه آب خلیج فارس اندک اندک بسوی جنوب عقب نشست و از این عقب نشینی آب، خاک‌های جدیدی سر از سینه دریا بدر آوردند و جزیره آبادان که سابقا آبادان خوانده میشد نمودار شد.

یاقوت حموی جزیره آبادان را که بین دورود بهمنشیر و شط العرب واقعست جزیره (میانرودان) میخواند. عبادان در زمان خلافت عبدالملک بصورت قلعه‌ای بود که برای جلوگیری از تجاوز دزدان دریائی بسواحل شمالی خلیج فارس بوجود آمده بود. پس از ساختن این قلعه، خانه‌های خشتی و گلی دیگری هم در کنار قلعه ساخته شد و مجموع آنها شهر عبادان را تشکیل داد.

تاسی سال پیش خوزستان و شهرهای ساحلی آن، بر اثر هرج و مرج و تزلزل اوضاع داخلی ایران، کانون ناامنی و آشوب و خونریزی بود. قبایلو عشایر گوناگون غالبا بایکدیگر سر جنگ داشتند و دستهای خارجی نیز این اختلافات و تشنجات را بیشتر دامن میزد.

تا اینکه اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر، در زمان ریاست وزرائی و سردار سپهی خود بخوزستان لشکر کشید و این استان را که یکی از ارکان مهم تمدن و فرهنگ ایران باستان بود، و دهها قرن بر ملل دنیا نور میافشاند از جنگ آشوبگران نجات داد و آن را بصورت بزرگترین استان

